

مهارت آموزی؛ نیل به خودکفایی یا انطباق با بازار جهانی؟!

ایین نگرانی زمانی جدی می‌شود که به صحبت‌های آقای طهرانی، مدیرکل آموزش فنی‌وحرفه‌ای استان تهران، در همایش توجه کنیم: «در توسعه آموزش‌های مهارتی، شیوه‌های نوین آموزشی جایگزین روش‌های سنتی می‌شوند. بررسی نیازهای مهارتی آحاد جامعه در برهه‌های مختلف زمانی از جمله مواردی است که در سازمان آموزش فنی‌وحرفه‌ای مورد مطالعه قرار گرفته است؛ به‌عنوان مثال تغییر شیوه کسب‌وکارها و سرعت تغییرات تکنولوژی این ضرورت را ایجاد کرد تا توسعه آموزش‌های مهارتی مورد توجه قرار گیرد.» آقای موسوی نیز به‌عنوان معاون آموزش سازمان فنی‌وحرفه‌ای کشور در «همایش راهبردهای هدایت و توسعه آموزش‌های مهارتی» صریح‌تر و خیلی روشن به این چرخش نگاه پرداخته است: «آنچه در آموزش فنی‌وحرفه‌ای به آن نیاز داریم تغییر نگرش است، بنابراین دوره‌های آموزشگاه‌های آزاد باید متحول و به‌روز شود. شرکت تویوتا آموزش و پیشاز است و تکنولوژی ماشین‌های هیبریدی را قبل از تولید آموزش می‌دهند، ولی این تکنولوژی در حالی وارد کشور ما می‌شود که هیچ آموزشی همراه آن نیست به‌همین‌دلیل بر اهمیت آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای تاکید می‌شود و ما معتقدیم آن تکنولوژی که پیش‌تاز در تغییر است، باید وارد شود و توسعه یابد.

بنابراین، بحث بر سر این است که مسئله نداشتن مهارت نیروی کار نسخه اقتصادی برای کشورهای درحال‌توسعه یا توسعه‌نیافته است که از دل ادعاهای این سه نهاد (صندوق بین‌المللی پول، سازمان تجارت جهانی و بانک جهانی) بیرون آمده است. سیاست‌هایی که پژوهش‌های پژوهشگران مستقل در حوزه آسیا در سال ۲۰۰۰ نشان داد که تنها به تشدید فقر در این کشورها و کاهش درآمد آنها منجر شده است.

امروز در جایی از بحران سیاست‌های اشتغال در کشور ایستاده‌ایم که می‌توانیم بگوییم مهارت‌آموزی و هدف از اجزای آن، برخلاف جریان مسیر انتخاب‌شده در اولین قوانین کشور پیش رفته است. ۲- این چرخش نگاه به سمت سیاست‌های تقسیم کار جهانی و ایده‌های نهادهای بزرگ متولی آن از یک‌سو و کنارگذاشتن اهداف اولیه آموزش و مهارت‌آموزی در کشور و سنت‌های ایجادشده پیرامون آن از سوی دیگر، موجب شکل‌گیری فضای مشقت و متناقضی در اجرای سیاست‌های اشتغال شده که در نهایت به تضییع حقوق کارگران و سردرگمی بیشتر بی‌کاران منجر شده است. به‌عنوان مثال در سند توسعه اشتغال، مشارعلی از قبیل تعمیرکار اتوبیل، برق‌کار ساختمان، تعمیر دستگانه‌های اداری، تعمیر لوازم خانگی برقی، تعمیر آبگرمکن، تعمیر کولر و... به‌عنوان مشاغل «خدماتی» محسوب شده درحالی‌که در خوشه‌بندی آموزش‌های سازمان فنی‌وحرفه‌ای این حرفه‌ها در زیرمجموعه خوشه «صنعت» قرار دارند. بعد می‌گویند بین مهارت بی‌کار و بازار کار واقعی ارتباط واقعی وجود ندارد. خب بر فرض صحت این ادعا چه کسی مقصر این عدم ارتباط است؟ پاسخ غیر از این است که دیدگاه‌های حاکم بر سیاست‌های مهارت‌آموزی کشور باعث ایجاد این عدم ارتباط شده است؟

در گزارش‌ها و مقالاتی که در همایش مهارت‌آموزی ارائه شده، مطالب جالبی عنوان شده است. یکی از این گزارش‌ها آمار و گزارش مربوط به استان خراسان است.

به تناسب وضعیت و توانایی‌های جغرافیایی آن استان، مهارت‌آموزی استان خراسان با استان سیستان یا خوزستان قطعا متفاوت است اما متأسفانه، آمارها می‌گویند که در همین استان خراسان آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای در زمینه کشت‌وکار «زعفران» و کشت و کار «زرشک» که می‌تواند شغل بومی و کسب‌وکار بومی این استان باشد، بسیار ضعیف بوده است.

در سند توسعه اشتغال بیشترین میزان اشتغال در حوزه «کشاورزی»، «شکار» و «چنگل‌داری» پیش‌بینی شده است. این در صورتی است که در استان خراسان مثلا با وجود خشک‌سالی و کم‌آبی ۱۴ ساله استان خراسان جنوبی تحقق این میزان فرصت شغلی در عمل هم دور از انتظار بوده و به همین دلیل در آمارها تمایل به شرکت در دوره‌های آموزشی مربوطه کمتر شده است. مگر آموزش چنگل‌داری در استان خراسان چه اشتغالی می‌تواند ایجاد کند؟

در زمینه شکار در سند توسعه اشتغال، برای شکار هم آموزش و مهارت‌آموزی پیش‌بینی شده است. حال، پیرسید ما اساسا چه استانداردها و آموزش‌های مصوبی در زمینه شکار در کشور داریم؟ بنابراین دو اتفاق مهم افتاده است. اولاً، اینکه اهداف اولیه از پیش‌بینی سیاست‌های مهارت‌آموزی در کشور که همان «استقلال» و «قطع وابستگی» بوده، محقق نشده و هدف از مهارت‌آموزی در کشور دچار تغییر گفتمان علنی شده و آشکارا به سمت سیاست‌های جهانی تقسیم‌کار در دنیا قدم برداشته است، ثانیاً، اینکه چیدمان غلط سیاست‌ها در بخش مهارت‌آموزی در سند اشتغال و عدم نگاه متناسب به اولویت‌های کشور در این بخش موجب ایجاد بی‌نظمی و هرج‌ومرج در بازار کار شده است که قطعا از این وضعیت تنها کارگران و بی‌کاران آسیب می‌بینند.

جواهردشتی در گفت‌وگو با «شرق» از عدم اطلاع مسئولان از دانش‌خوردگی انتقاد کرد

زیان ۱۸۰ هزارمیلیاردی ایران از «خوردگی»

بمب‌های ساعتی در کدام بخش‌های اقتصادی هستند؟



عکس: رونق رستنی، شرق

زمینه خوردگی می‌بیند. این کف زیان و فقط یک محاسبه روی کاغذ است. ابعاد قضیه را بیشتر می‌شکافم. در سال ۱۳۷۵ محاسباتی که بنده براساس آمارهای آن زمان انجام دادم و به شکل مقاله‌ای در کنگره ملی خوردگی چاپ شد، بیانگر این بود که ۳۰ برابر سرمایه‌گذاری دولت در بخش صنعت در آن سال، «خوردگی» سرمایه ملی را از بین برده است. خوردگی یک رخنه پرجالش در اقتصاد ماست که متأسفانه هنوز به آن به‌حد کفایت نپرداخته‌ایم. تخصصاً می‌گویند ما معادل فروش ۱۲۴ سال نفت در پارس جنوبی ثروت داریم. هر فاز پارس جنوبی یک درصد به تولید ناخالص داخلی ما اضافه می‌کند که به نظر کم‌وبیش معادل بودجه سالانه افغانستان باشد. حال دو عدد را کنار هم بگذارید: هر فاز پارس جنوبی یک درصد به GDP اضافه می‌کند و فرض کنیم که حداقل ضرر سالانه خوردگی به اقتصاد ایران هم معادل پنج درصد GDP باشد؛ پس مثل این است که پنج فاز پارس جنوبی را تعطیل کنیم چون هرچه تولید می‌کنند عملاً توسط خوردگی تباه و مضمحل می‌شود. مثال دیگری می‌زنم. بودجه عمرانی کشور در سال ۹۵ حدود ۲۲ هزار میلیارد تومان بود. اگر ۱۸۰ هزار میلیارد تومان خوردگی در یک سال را در نظر بگیریم یعنی بیش از ۸ برابر آنچه برای عمران کشور صرف شده. بر اثر خوردگی از بین رفته است. اینها اعدادی است که فقط با منطق صرف می‌توان به آن رسید. اگر اینها به‌عنوان یک پروژه ملی تحت عنوان «پروژه ملی زیان‌های اقتصادی خوردگی به صنایع استراتژیک ایران» تعریف شود چقدر راحت می‌توانیم مدیریت‌هایمان را بهبود بخشیم. اکنون خوردگی امری فقط محصور در دانشگاه‌ها و مراکز صنعتی شده. یک انجمن خوردگی هم هست که چند سال دیر و عضو هیئت‌مدیره آن بوده‌ام. هر سال هم حداقل یک کنگره ملی خوردگی در کشور برگزار می‌شود، اما ابعاد امر خوردگی هنوز محصور در میان متخصصان آن‌هم قشر بسیار کوچکی از آنهاست و حرکت عملی انجام نشده که نشان‌دهنده توجه سیستمی در ابعاد عظیم اقتصادی و حتی زیست‌محیطی خوردگی باشد.

کشورهای دیگر تا چه میزان به پدیده خوردگی توجه می‌کنند؟ درباره آمریکا و انگلیس و این‌قبیل کشورها نمی‌خواهم صحبت کنم چون به اندازه کافی دوستانمان در کنگره‌ها و گردهمایی‌های مختلف در این باره گفته‌اند و نوشته‌اند. می‌خواهم در مورد کشوری کوچک در حاشیه جنوبی خلیج‌فارس یعنی درباره کویت صحبت کنم که شاید به اندازه یک استان ما هم نباشد. کویت در دهه ۸۰ میلادی به این فکر افتاد که مدل اقتصادی ضرر و زیان خوردگی را در صنایع‌شان اندازه بگیرد. با این اندازه‌گیری به عدد ۵٫۲ درصد GDP برای زیان سالانه خوردگی به صنایع کشورش رسید. در سال ۲۰۱۱ که بعد از برنامه‌ریزی‌های خوب و منطقی دوباره اندازه‌گیری کردند، مشاهده شد که ضرر خوردگی را به ۱۰٫۲ درصد GDP رسانده‌اند. ما حتی یک طرح ملی برای زیان اقتصادی خوردگی نداریم البته مدعی داریم اما عمل‌کننده کو؟ وقتی چنین چیزی نداریم نمی‌توانیم آن را مدیریت کنیم. مدیر تا آمار در اختیار نداشته باشد نمی‌تواند مدیریت استراتژیک کند. وقتی آمار نباشد «مدیریت به‌هنگام» به «مدیریت بحران» تبدیل می‌شود. بحران هم که مدیریت نیست نمی‌خواهد، چون اگر همه چیز درست انجام می‌شد، بحران رخ نمی‌داد. در ارتش ایالات

متحده ادارهای برای بررسی ضرر و زیان‌های خوردگی وجود دارد. برای تشکیل این اداره هم روش کارشان به این صورت بوده که کنگره و سنا را قانع کرده بودند و این دو، وزارت دفاع را مکلف کردند که باید ادارهای درست کنید که در آن، استادان و متخصصان خوردگی، افسران و کادر نیروی مسلح مستعد را در یک برنامه جامع و منظم در مدت‌زمان معلوم آموزش دهند، بعد آنها را دوباره به همان قوا بفرستند و اینها اعداد و ارقام خوردگی را در

تولید ناخالص دریایی، هوایی و زمینی احصا کرده و به رئیس این اداره و از آنجا هم به وزیر دفاع گزارش می‌کنند. این ارقام هم در اینترنت است که ارتش آمریکا سالانه مثلا چند میلیارد دلار به‌دلیل خوردگی ضرر می‌کند. ی پیش‌بینی شما از میزان واقعی خوردگی در کشور چقدر است؟ اینکه می‌خواهم عرض کنم صرفاً پیش‌بینی است و با تمام وجود، دعا می‌کنم اشتباهه کنم. به نظر ضرر و زیان خوردگی در سطح کشور ما حداقل ۱۲ تا ۱۵ درصد تولید ناخالص داخلی‌مان است. اما چرا؟ چرا پنج درصد نه و چرا چنین عدد بزرگی؟ سه دلیل برای این فرضیه دارم: اول اینکه خوردگی ضرر اقتصادی انباشته است. یعنی سال به سال، دهه به دهه اضافه می‌شود، زیرا وسعت و حجم صنایع هم بیشتر می‌شود. طبیعی است که خوردگی با افزایش آن را بیان کنند. بعد از بررسی متوجه شدن بهترین راه برای بیان‌کردن ابعاد اقتصادی خوردگی، استفاده از معیار تولید ناخالص ملی یا تولید ناخالص داخلی است. در ۷۰ سال، کشورها به روش‌های مختلف ضررهای خوردگی را اندازه‌گیری کرده‌اند. آنچه به دست آمده این است که بین یک تا شش درصد GDP یا تولید ناخالص داخلی، ضرر و زیانی است که خوردگی ایجاد می‌کند. این میزان در کشورهای مختلف فرق می‌کند.

در ایران چقدر است؟

در ایران، عددی نداریم. اجازه بدهید یک سری مدل‌سازی کنم تا ابعاد فاجعه را بهتر متوجه شوید. اگر فرض کنید زیان ناشی از خوردگی در ایران، فقط پنج درصد تولید ناخالص داخلی باشد که البته خیلی بیشتر است و براساس آمارهای بانک مرکزی، تولید ناخالص داخلی را با دلار چهار هزارتومانی در نظر بگیریم، سالانه کشور ما بیش از ۱۸۰ هزار میلیارد تومان زیان اقتصادی در

جواهردشتی در گفت‌وگو با «شرق» از عدم اطلاع مسئولان از دانش‌خوردگی انتقاد کرد

زیان ۱۸۰ هزارمیلیاردی ایران از «خوردگی»

بمب‌های ساعتی در کدام بخش‌های اقتصادی هستند؟

می‌گویم مسئله آب داریم، مصرف‌کننده آب را درست مصرف کن. اما از طرف دیگر در کلان‌شهر تهران طبق آمار، ۳۰ درصد آب تصفیه‌شده قبل از اینکه به دست من و شما برسد که برای شستن ماشین یا نوشیدن استفاده کنیم، در شبکه داخلی آب تهران بر اثر خوردگی در این شبکه فرسوده از بین می‌رود. حالا مدیر اگر خبر از این‌گونه پیامدهای خوردگی داشته باشد به چه درش می‌خورد؟ اگر من بدانم در واحد صنعتی که مسئولیتش را برعهده دارم، سالانه خوردگی مثلا ۲۰ میلیارد تومان ضرر وارد می‌کند و بزرگی این زیان را درایم، می‌گویم بسیار خوب من به‌عنوان یک مدیر آشنا به معضل خوردگی، می‌خواهم جلوی ضرر ۲۰ میلیاردی مجموعه‌ام را بگیرم، حالا نه به صورت صددرصد، ولی مثلا ۳۰ درصد آن را مدیریت کنم. ۳۰ درصد از ۲۰ میلیارد می‌شود شش میلیارد تومان و اگر بتوانم این مبلغ را برگردانم، برده‌ام.

وقتی توانستم بفهمم می‌خواهم شش میلیارد تومان را نجات دهم، صرف هزینه برای تمام موارد از استفاده نیروی انسانی متخصص و مشاور گرفته تا بهبود کیفی روش‌های تولید و استانداردسازی معنادار می‌شود. مثلا اگر من آموزش و پروژه‌های کاربردی در دانشگاه‌ها، معنادار می‌شود که من صرف هزینه کنم و پروژه‌های کاربردی را پشتیبانی کنم و این یعنی معنای حقیقی پیوند دانشگاه و صنعت.

پیشنهاد مشخص شما در بررسی اقتصادی اثرات خوردگی در کشورمان چیست؟

پیشنهاد می‌کنم در سازمان برنامه و بودجه به‌عنوان نهادی مستقل، کارگروهی متشکل از اقتصاددانان، متخصصان خوردگی و متخصصان محیط زیست تشکیل شود تا در زمینه خوردگی فعالیت کنند با بررسی هر ساله میزان خوردگی در بنگاه‌های اقتصادی و الزام برای کاهش آن از سوی این نهاد به بنگاه‌ها می‌توان طرحی را برای احصای میزان زیان خوردگی در آن مجتمع خاص ایجاد کرد. آنکه با درنظرگرفتن موارد تشویقی مانند اهدای جایزه ملی خوردگی در صورت کاهش میزان مالی ضرر خوردگی و در صورت افزایش میزان زیان ناشی از خوردگی در آن مجتمع، اعمال سیاست‌های تنبیهی یا پشت‌گرمی و حمایت مجلس از طریق تصویب قوانین مرتبط، می‌توانیم مدیریت اقتصادی خوردگی را هرچه زودتر در کشور به راه بیندازیم.

ادامه در صفحه ۱۵

حضور ۶۰۰مدیر زن در صنعت نفت

● پایگاه اطلاع‌رسانی دولت: اخباری که این‌روزها از انتصابات در وزارت نفت به گوش می‌رسد، حاکی از عمل به وعده‌های دولت دوازدهم مبنی بر میدان‌دادن بیش از گذشته به بانوان، جوانان و اهل تسنن در دولت و دستگاه‌های اجرایی است.در این بین با توجه به اینکه زن‌گنه در دولت قبل نیز به‌نوعی رکورددار انتصاب مدیران زن در میان دیگر وزارتخانه‌ها بود، اخبار رسیده از انتصابات گواه این است که وزیر نفت به تحقق وعده‌های دولت و به‌کارگیری استعدادهای درخشان و شایسته‌سالاری اهمیت می‌دهد.وزیر نفت پیش از این نیز از بانوان و اهل تسنن در سطوح ارشد مدیریتی وزارت نفت بهره گرفته بود.در‌حال‌حاضر بیش از ۶۰۰ نفر از بانوان کشور در مناصب مدیریتی صنعت نفت مشغول فعالیت هستند که شایان توجه و تقدیر است و انتظار می‌رود سایر وزرا نیز در مجموعه وزارتخانه‌های خود از حضور بانوان، جوانان و اهل تسنن که حضور پرشوری در دوازدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری داشتند، بهره بگیرند.

۱۰۶میلیارد دلار روسیه در خطر توقیف آمریکا

● اپرنا: زنجیره اقدام‌های ضدروسی دولت دونالد ترامپ که در تازه‌ترین اقدام سبب تعطیلی سه مرکز کنسولی-دیپلماتیک روسیه شده است، می‌تواند شامل توقیف ۱۰۶ میلیارد دلار دارایی این کشور در آمریکا نیز بشود. یک کارشناس ارشد روس در این زمینه هشدار داد که امکان توقیف دارایی‌های روسیه در آمریکا در چارچوب افزایش تحریم‌ها وجود دارد.

طرح تولید پوشاک در روستاها به‌زودی اجرا می‌شود

● صداوسیما: معاون سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران از اجرای آزمایشی طرح تولید پوشاک در پنج استان دارای نرخ بی‌کاری بالا خبر داد و گفت: طرح تولید پوشاک در روستاها به‌زودی در ۳۱ استان کشور اجرا می‌شود.غلامرضا سلیمانی با بیان اینکه طرح تولید پوشاک مناطق روستایی تا چند ماه آینده در همه ۳۱ استان اجرا می‌شود، افزود: سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران، به‌همت بخش خصوصی فعال در حوزه پوشاک و مشاوران داخلی و خارجی، این طرح را تهیه و تدوین کرده است.

کلینیک تخصصی ایران نوین

زیبایی تو بین

مشاوره رایگان:

۰۲۲۲۲۱۰۰۰

24/7

clinic_irannovin

clinic_irannovin

irannovinclinic.com

دارای مجوز رسمی از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

جوان‌سازی پوست تزریق ژل، بوتاکس و...

تغذیه و تناسب اندام

مشاوره جراحی‌های زیبایی افتادگی پلک، پیکر تراشی و...

انواع خدمات لیزر